

نامه اول یوحنایا

اخلاق خشن و تند یوحنایا بعقوب، این دو برادر ماهیگیر، باعث شد عیسی مسیح آنها را «پسران رعد» بنامد. با وجود این، محبت عجیبی بین مسیح و یوحنایا بود. بودن با استاد، درس محبت را عملأ به یوحنایا داد، بطوری که در اوآخر عمرش او را «رسول محبت» لقب دادند، چون هر جایی رفت تکه کلامش این بود: «همدیگر را محبت کنید». در این نامه‌ها او نشان می‌دهد که خدا محبت است و زندگی واقعی و عالی در محبت کردن همنوعان نهفته است.

از هر ناراستی پاک می‌سازد. این کار خدا کاملاً منصفانه و درست است، زیرا عیسی مسیح برای شستن و پاک کردن گناهان ما، جان خود را فدا کرده است.^{۱۰} اگر ادعائیم که گناهی از ماسر نزد است، دروغ می‌گوییم و خدا را نیز دروغگو می‌شاریم، زیرا خدا می‌فرماید که ما گناهکاریم.

زنده‌گی در نور و محبت

فرزندان عزیزم، اینها را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اما اگر گناهی از شما سرزند، کسی هست که برای ما نزد خدای پدر و سلطنت کند و بخشایش ما را از او درخواست نماید. این شخص عیسی مسیح است که مظہر راستی و عدالت است. اگر کسی است که توان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد؛ او با این کار، رابطه‌ای دوستانه میان خدا و ما بوجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد.

چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا را می‌شناسیم؟ راهش اینست که به قلب خود نگاه کنیم و بینیم که آیا مایل هستیم احکام خدا را بجا بیاوریم. کسی که می‌گوید خدا را می‌شناسد اما احکام خدا را نگاه نمی‌دارد و خواست او را بجا نمی‌آورد، دروغ می‌گوید و از حقیقت بدور است.^{۱۱} فقط کسی می‌تواند واقعاً خدا را بشناسد و با او رابطه نزدیک داشته باشد که او را هر روز بیشتر دوست داشته، کلام او را بجا آورد.^{۱۲} کسی که ادعا می‌کند

خدا نور است

از ابتداء، «کلمه» حیات بخش خدا وجود داشته است، من او را با چشم انداخته دیده‌ام، و سخنان او را شنیده‌ام؛ من با دستهای خود او را لمس کرده‌ام.^{۱۳} این کلمه حیات بخش از جانب خدا آمد و خود را بر ما آشکار فرمود؛ و ما شهادت می‌دهیم که او را دیده‌ایم، یعنی عیسی مسیح را. بلى، او حیات جاودانی است. او نزد خدای پدر بود، اما بعد خود را بر ما آشکار ساخت.^{۱۴} باز هم می‌گوییم، ما با شما درباره چیزی سخن می‌گوییم که خودمان دیده‌ایم و شنیده‌ایم، تا شما نیز بتوانید مانند ما با خدای پدر و فرزندش عیسی مسیح، رابطه نزدیک داشته باشید.^{۱۵} اگر به آنچه در این نامه می‌نویسم عمل نمایید، شما نیز همچون ما از شادی لبریز خواهید شد.

اینست بیمامی که خدا به ما داده است تا به شما اعلام نمایم: خدا نور است و ذره‌ای تاریکی در او وجود ندارد.^{۱۶} پس اگر بگوییم که با خدا رابطه‌ای نزدیک داریم، اما در تاریکی روحانی و در گناه زندگی کنیم، دروغ می‌گوییم.^{۱۷} اما اگر ما نیز مانند مسیح در نور حضور خدا زندگی می‌کنیم، آنگاه با یکدیگر رابطه‌ای نزدیک داریم و خون عیسی، فرزند خدا، ما را از هر گناه پاک می‌سازد.

اگر گوییم که گناهی نداریم، خود را فربیض می‌دهیم و از حقیقت گریزانیم.^{۱۸} اما اگر گناهان خود را به او اعتراف نماییم، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می‌بخشد و

مسيحی است، باید مانند مسيح زندگی کند.

^۷ ای برادران، به شما می‌گوییم که یکدیگر را محبت نمایید. این یک حکم تازه نیست، بلکه همان حکم قدیمی است که از ابتدا به شما داده شده و همه شما آن را شنیده‌اید.^۸ با اينحال همیشه تازه است، و همانگونه که مسيح به آن عمل کرد، شما نيز باید بکنيد، زیرا در همان حال که به یکدیگر محبت می‌نمایيد، لکه‌های تیره و تار زندگی از میان می‌رود، و نور تازه زندگی مسيحیانی شروع به تاييدن می‌کند. کسی که می‌گويند: «من در نور مسيح هستم»، ولی همنوع خود را دوست نمی‌دارد، هنوز در تاریکی است.^۹ اما هر که همنوع خود را محبت نماید، در نور زندگی می‌کند و می‌تواند راه خود را بیست، بدون آنكه گرفتار تاریکی و گناه گردد.^{۱۰} ولی کسی که همنوع خود را دوست ندارد، در تاریکی سرگردان است و نمی‌داند به کجا می‌رود، زیرا تاریکی چشمانش را کور کرده است تا راه را نبيشد.

دل بریدن از دنيا

^{۱۱} ای فرزندان اين چيزها را برای شما می‌نویسم، زیرا گناهاتان بخاطر نام عيسی مسيح آمرزیده شده است.^{۱۲} ای پسران، اين مطالب را به شما نيز می‌نویسم، زیرا مسيح را که از اzel بوده است، می‌شناسيد. اى جوانان، روی سخنم با شما نيز هست، زیرا در نبرد روحاني، بر شيطان پيروز شده‌اید. به شما خردسالان نيز می‌نویسم، که پدرمان خدا را می‌شناسيد.

^{۱۳} پس اين را می‌خواهم بگويم به شما پدرانی که خدای ازلی را می‌شناسيد، و به شما جوانانی که کلام خدا را در دل خود حفظ می‌کنيد و قوى هستيد و بر شيطان پيروز شده‌اید؛^{۱۴} به اين دنیا گناه‌آلد و به آنچه به آن تعلق دارد، دل نبنديد. کسی که به اين چيزها دل بینند، در الواقع نشان می‌دهد که به خدا دلبستگی ندارد.^{۱۵} زیرا وابستگی‌های اين دنيا و خواسته‌های ناپاک، ميل به داشتن و تصاحب هر آنچه که بنظر جالب می‌آيد، و غرور ناشي از ثروت و مقام، همچيک از خدا نیست؛ بلکه از اين دنیا گناه‌آلد.

مي باشد.^{۱۶} دنيا نابود خواهد شد و چيزهای گناه‌آلد آن نيز از بين خواهند رفت، اما هر که طبق خواست خدا زندگی کند، همیشه برقرار خواهد ماند.

هشدار درباره دجال

^{۱۷} فرزندان عزيزم، پاييان دنيا نزديك شده است. شما حتماً درباره ظهور دجال که دشمن مسيح است چيزهایی شنیده‌اید. حتی الان نيز مخالفین مسيح همه جا دide می‌شوند، و از همین متوجه می‌شويم که پاييان دنيا نزديك شده است.^{۱۸} اين مخالفین مسيح بين ما بودند، اما در الواقع از ما نبودند، چه در غيراینصورت نزد ما می‌مانند. وقتی از ما جدا شدند، معلوم شد که اصلاً از ما نبودند.

^{۱۹} اما شما مانند اينها نیستيد، زيرا روح القدس بر شما قرار گرفته و حقیقت را می‌دانيد.^{۲۰} اگر اين چيزها را می‌نویسم، منظورم اين نیست که حقیقت را نمی‌دانيد، بلکه فقط می‌خواهم به شما هشدار داده باشم، زيرا شما فرق میان راست و دروغ را تشخيص می‌دهيد.

^{۲۱} دروغگوی واقعی کیست؟ هر که بگوید عيسی همان مسيح نیست، دروغگوست؛ اين همان دجال است، زيرانه به خدای پدر ايمان دارد و نه به فرزند خدا.^{۲۲} کسی که به عيسی مسيح، فرزند خدا، ايمان نداشته باشد، امكان ندارد بتواند خدای پدر را بشناسد. اما کسی که به فرزند خدا ايمان دارد، خدای پدر را نيز می‌شandasد.

^{۲۳} ايمان خود را به آنچه که از اول شنیديد، حفظ نمایيد زيرا اگر چنین کنيد، همیشه با خدای پدر و فرزندش، رايطه‌های نزديك خواهيد داشت،^{۲۴} و زندگی جاويد که او وعده داده است، نصيب شما خواهد شد.

^{۲۵} اين مطالب را درباره اين اشخاص می‌نویسم تا بدانيد که ايشان می‌خواهند شما را گمراه کنند.^{۲۶} اما می‌دانم که روح خدا در شماست و به همین جهت نيازی نداريد کسی به شما بیاموزد که چه بکنيد، زيرا روح خدا همه چيز را به شما تعلم خواهد داد؛ هر چه او می‌گويد حقیقت مخصوص است و دروغ در آن بافت.

شیطان را باطل سازد.^۹ هر که به خانواده خدا ملحق می شود و فرزند خدا می گردد، به راه گناه نمی رود، زیرا او از طبیعت و حیات الهی برخوردار می شود. بنابراین، دیگر نمی تواند گناه کند، زیرا در او زندگی تازه‌ای شکل گرفته است که از خدا جریان می یابد.

^{۱۰} پس به این ترتیب می توان گفت که چه کسی فرزند خداست و چه کسی فرزند شیطان است. هر که زندگی گناه آلودی داشته باشد و همنوع خود را نیز دوست نداشته باشد، فرزند خدا نیست.^{۱۱} زیرا بیغامی که از همان ابتدا به ما داده شد، اینست که یکدیگر را محبت نماییم؛^{۱۲} اما نه مانند «قافیه» که از شیطان بود و برادرش را کشت. می دانید چرا چنین کرد؟ زیرا کارهای خودش نادرست بود، ولی می دانست که زندگی برادرش از زندگی خودش بهتر است.^{۱۳} از این‌رو برادران من، تعجب نکنید از این که مردم دنیا از شما نفرت داشته باشد.

^{۱۴} اگر ما برادران خود را محبت کنیم، معلوم می شود که از مرگ رهایی یافته، به زندگی جاوبد رسیده‌ایم. اما هر که محبت نداشته باشد، در مرگ بسر می برد.^{۱۵} هر که از برادر خود نفرت داشته باشد، در واقع قاتل است؛ و می دانید که هر کس قصد قتل کسی را داشته باشد، هرگز به زندگی ابدی دست نخواهد یافت.^{۱۶} ما محبت واقعی را از مسیح آموخته‌ایم، زیرا او جان خود را در راه ما فدا کرد، تا مانیز حاضر باشیم جان خود را در راه همنوعان خود فدا کنیم.

^{۱۷} اما کسی که ادعای مسیحیت می کند و از نظر مالی در وضعیت خوبی بسر می برد، اگر همنوع خود را در احتیاج بیند و به او کمک نکند، چگونه ممکن است محبت خدا در قلب او حکم‌فرما باشد؟^{۱۸} ای فرزندان من، محبت ما نباید فقط زبانی باشد، بلکه می باید در عمل نیز آن را نشان دهیم.^{۱۹} آنگاه خواهیم دانست که مسیحیانی واقعی هستیم، و وجود انمان نیز آسوده خواهد بود.^{۲۰} حتی اگر بیاییم و اطمینان حاصل کنیم، زیرا او از وجود ان ما بزرگتر است و به همه چیز واقف می باشد.

نمی شود. پس همانگونه که به شما تعلیم داده است، همیشه در مسیح بمانید و هرگز از او دور نشوید.^{۲۱} بله فرزندان من، بکوشید تا با مسیح رابطه‌ای صمیمی داشته باشید، تا به هنگام بازگشت او، بتوانیم با اطمینان او را استقبال کنیم، نه با ترس و خجالت.^{۲۲} همه شما بخوبی می دانید که خدا بطور مطلق نیک است. پس این را نیز بدانید که هر که نیکی می کند، فرزند خداست.

محبت در عمل

^{۲۳} بینید خدای پدر چقدر ما را دوست می دارد که ما را «فرزندان» خود خوانده است، و همینطور نیز هستیم. اما مردم دنیا این مطلب را درک نمی کنند، زیرا خدا را آنطور که هست نمی شناسند.^{۲۴} بله عزیزان، ما اکنون حقیقتاً فرزندان خدا هستیم. گرچه هنوز نمی دانیم در آینده چگونه خواهیم بود، اما این را به یقین می دانیم که وقتی مسیح بازگردد، مانند او خواهیم شد، چون او را همان گونه که هست خواهیم دید.^{۲۵} هر که به این حقیقت ایمان دارد، می کوشد تا پاک بماند، زیرا که مسیح نیز پاک است.^{۲۶} هر که گناه می کند، احکام خدا را می شکند، زیرا گناه چیزی نیست جز شکستن احکام خدا و رفتار انسان شد تا بتواند گناهان ما را پاک سازد؛ و این را نیز می دانید که او کاملاً پاک و بی گناه بود، چون هرگز کاری برخلاف خواست خدا انجام نداد.^{۲۷} پس اگر همواره با مسیح رابطه‌ای نزدیک داشته باشیم، در گناه زندگی نخواهیم کرد. اگر کسی در گناه زندگی می کند، علش اینست که هرگز با او رابطه‌ای نداشته و او را نشانخته است.

^{۲۸} فرزندان عزیزم، مراقب باشید کسی شمارا در این مورد فربیت ندهد: هر که اعمال نیک و راست انجام می دهد، به این علت است که درستکار و نیک است، همانگونه که مسیح نیک و درستکار بود.^{۲۹} اما کسی که در گناه بسر می برد، نشان می دهد که فرزند شیطان است، زیرا شیطان از همان ابتدا که خود را به گناه آلود، تابحال گناه می کند. اما فرزند خدا آمد تا اعمال

^{۱۱} اما عزیزان من، اگر وجودان ما راحت و آسوده باشد، می توانیم با اطمینان خاطر و اعتماد کامل به حضور خداوند بیاییم؛ ^{۱۲} آنگاه هر چه از او در خواست نماییم، دریافت خواهیم کرد، زیرا احکام او را اطاعت می کنیم و کارهای پسندیده او را بجا می آوریم. ^{۱۳} آنچه خدا از ما انتظار دارد اینست که به فرزند او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم و به یکدیگر محبت کنیم. ^{۱۴} هر که احکام خدا را بجا آورد، با خدا زندگی می کند و خدا نیز با او. این حقیقت را از آن روح پاک که خدا به ما عطا فرموده است، دریافت کرده ایم.

خدا محبت است

عزیزان من، باید یکدیگر را محبت کنیم، زیرا محبت از خداست و هر که محبت می نماید، فرزند خداست و خدا را واقعاً می شناسد. ^۸ اما کسی که محبت نمی کند، خدا را نمی شناسد، زیرا خدا محبت است.

^۹ خدا با فرستادن فرزند یگانه خود به این جهان گناه آلود، محبت خود را به ما نشان داد؛ بلی، خدا او را فرستاد تا جان خود را در راه ما فدا کند و ما را به زندگی ابدی برساند. ^{۱۰} اینست محبت واقعی اما او را محبت نکردمیم، بلکه او ما را محبت کرد و یگانه فرزندش را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود.

^{۱۱} عزیزان من، حال که خدا ما را این چنین محبت نمود، ما نیز باید یکدیگر را دوست بداریم و محبت کنیم. ^{۱۲} ما هیچگاه خدا را ندیده ایم؛ اما اگر یکدیگر را محبت نماییم، خدا در وجود ما مسکن می گزیند و محبت او در ما قوت می گیرد. ^{۱۳} خدا برای همین روح پاک خود را در وجود ما قرار داده تا بدانیم که خدا در ما ساکن است و ما در خدا. ^{۱۴} از این گذشتہ، ما نیز با چشم ان خود دیده ایم و به همه اعلام می کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند. ^{۱۵} هر که ایمان داشته باشد و به زبان بگوید که عیسی فرزند خداست، خدا در وجود او ساکن است و او نیز در خدا.

^{۱۶} ما می دانیم که خدا چقدر ما را دوست می دارد، زیرا اگر می محبت او را چشیده ایم. ما محبت او را باور می کنیم. خدا محبت است و هر که با محبت زندگی می کند، با خدا زندگی می کند و خدا در وجود اوست. ^{۱۷} وقتی با مسیح زندگی می کنیم، محبتان بیشتر و کاملتر می شود. پس در روز داوری شرمنده و سرافکنده نخواهیم شد، بلکه با اطمینان و شادی در حضور او خواهیم ایستاد، زیرا او ما را دوست دارد و ما نیز او را دوست داریم.

^{۱۸} لازم نیست از کسی که ما را بطور کامل دوست

۴ معلمین الهی و معلمین دروغین عزیزان من، اگر کسی ادعا کند که از جانب خدا پیغامی دارد، زود باور نکنید. نخست، او را بیازماید تا دریابید که آیا پیغام او از جانب خداست یا نه؛ زیرا معلمین و واعظین دروغین، این روزها همه جا پیدا می شوند. ^{۱۹} برای پی بردن به این که پیغام ایشان از جانب روح خداست یا نه، باید از ایشان پرسید که آیا ایمان دارند که عیسی مسیح، فرزند خدا واقعاً انسان شد یا نه. اگر ایمان داشته باشد، دراینصورت پیغام ایشان از جانب خداست. ^{۲۰} در غیراینصورت، آن پیغام از سوی خدا نیست، بلکه از جانب دجال است، یعنی آن دشمن مسیح، که شنیده اید بزودی می آید، و دشمنی او با مسیح از هم اکنون در جهان آشکار است.

^{۲۱} فرزندان عزیزم، شما از آن خدا هستید و بر مخالفین مسیح غله و پیروزی یافته اید، زیرا در وجود شما کسی زندگی می کند که از هر دشمن مسیح در این دنیا گناه آلود، قوی تر است. ^{۲۲} این معلمین دروغین از این دنیا هستند؛ به همین علت، سخنانشان درباره امور دنیوی است و مردم دنیوی نیز به گفته های ایشان توجه می کنند. ^{۲۳} ولی ما فرزندان خدا هستیم، و فقط کسانی به سخنان ما توجه می کنند که خدا را می شناسند و با او رابطه ای نزدیک دارند. اما دیگران توجهی به گفته های ما ندارند. این نیز راه دیگری است برای پی بردن به این که آیا پیغامی از جانب خدا

پیش از مرگ او، این سه صد، همان یک سخن را می‌گویند که عیسی مسیح، فرزند خداست.^۹ در دادگاه وقتی کسی شهادتی می‌دهد، همه آن را باور می‌کنیم. حال خدا به این وسیله شهادت می‌دهد که عیسی فرزندش می‌باشد؛ پس چقدر بیشتر باید شهادت خدا را بپذیریم.^{۱۰} همه آنانی که به این حقیقت ایمان می‌آورند، در قلب خود به درستی آن بی می‌برند. اما اگر کسی به این حقیقت ایمان نیاورد، در واقع خدا را دروغگو شمرده است، زیرا شهادت خدا را درباره فرزندش دروغ پسنداشته است.

^{۱۱} اما خدا چه شهادتی داده است؟ شهادت خدا اینست که او به ما حیات و زندگی جاوید عطاکرده، و این حیات در فرزند او عیسی مسیح است.^{۱۲} پس روشن است که هر کس مسیح را دارد، به این حیات نیز دسترسی دارد؛ اما هر که مسیح را ندارد، از این حیات بی‌بهره خواهد ماند.

^{۱۳} این نامه را تو شتم تاشاکه به فرزند خدا ایمان دارید، بدانید که از هم اکنون، از زندگی جاوید برخوردارید.^{۱۴} از اینرو، خاطر جمیع هستیم که هرگاه از خدا چیزی مطابق خواست او بطلبیم، دعای ما را خواهد شنید؛^{۱۵} و اگر یقین داریم که دعای ما را می‌شود، می‌توانیم به این هم اطمینان داشته باشیم که آنچه از او بخواهیم، به ما عطا خواهد کرد.

^{۱۶} اگر می‌بینید که برادر شما مرتک گناهی می‌شود که متنه به مرگ نیست، از خدا بخواهید که او را بخشد، و خدا نیز به او حیات جاوید عطا خواهد کرد، به این شرط که گناهش متنه به مرگ نباشد. زیرا گناهی هست که منجر به مرگ می‌شود، و نمی‌گوییم که برای آن دعا کنید.^{۱۷} البته هر کار نادرست گناه است، اما گناهی هست که متنه به مرگ نمی‌شود.

^{۱۸} می‌دانیم هر که فرزند خدا شده است، خود را به گناه آلوهه نمی‌کند، زیرا مسیح که فرزند خداست، او را حفظ می‌کند تا دست شیطان به او نرسد.^{۱۹} می‌دانیم که ما فرزندان خدا هستیم و بقیه مردم دنیا، تحت قدرت و سلطه شیطان قرار دارند.^{۲۰} می‌دانیم که

دارد، بترسیم محبت کامل خدا هرگونه ترس را در ما ریشه کن می‌سازد. اگر هنوز می‌ترسیم، علتش اینست که هنوز کاملاً یقین نداریم که خدا حقیقتاً ما را دوست می‌دارد.

^{۲۱} محبت ما نسبت به خدا، از محبتی ناشی می‌شود که او اول نسبت به ما داشت.^{۲۲} اگر کسی ادعا می‌کند که خدا را دوست دارد، اما از همنوع خود متغیر است، دروغ می‌گوید؛ چون اگر کسی نتواند همنوعی را که می‌بیند، دوست داشته باشد، چگونه می‌تواند خدایی را که ندیده است، دوست بدارد؟^{۲۳} این حکم خداست که هر که او را دوست می‌دارد، باید همنوع خود را نیز دوست داشته باشد.

ایمان به فرزند خدا عیسی مسیح

هر که ایمان دارد که عیسی همان مسیح و فرزند خدا و نجات دهنده عالم است، او فرزند خداست. هر که خدای پدر را دوست دارد، فرزندان او را نیز دوست خواهد داشت.^{۲۴} چگونه بدانیم فرزندان خدا را دوست داریم؟ از اینکه خدا را دوست داریم و احکام او را اطاعت می‌کنیم.^{۲۵} درواقع کسی که خدا را دوست دارد، نمی‌تواند احکام او را اطاعت نکند؛ احکام او برای ما مشکل نیست.^{۲۶} زیرا هر فرزند خدا می‌تواند احکام خدا را بجا آورد و با ایمان و توکل به مسیح، برگناه و لذات نایاپک دنیا غلبه کند.^{۲۷} فقط کسی می‌تواند بر دنیا گناه آلود غلبه یابد که ایمان دارد عیسی به راستی فرزند خداست.

^{۲۸} می‌دانیم که عیسی فرزند خداست، زیرا خدا دویار این حقیقت را از آسمان اعلام فرمود. یک بار به هنگام تعمید او، و یک بار نیز مدتی پیش از آنکه با مرگ رویرو شود. پس نه فقط به هنگام تعمیدش، بلکه مدتی پیش از مرگش نیز خدا از آسمان سخن گفت. روح خدا نیز که مظهر راستی است، این حقیقت را تأیید می‌کند که عیسی فرزند خداست. پس سه شاهد تأیید می‌کنند که عیسی فرزند خداست: صدای روح خدا در قلب ما؛ صدای آسمانی به هنگام تعمید عیسی؛ و همان صدا مدتی

زندگی جاودانی است.

^{۲۱} فرزندان من، از هر چه که جای خدا را در قلبتان می‌گیرد، دوری کنید.

فرزند خدا آمده و به ما بینش داده تا خدای حقیقی را بشناسیم. و حالا ما در خدا هستیم، زیرا در فرزندش عیسی مسیح قرار گرفته‌ایم که تنها خدای حقیقی و